

## اتاق خالی

ما در اتاق خالی فریاد می‌زنیم. جامعه مدت‌هاست که رفته است.

&diams;اتاق خالی&diams;

«صف بیوتی» با یک میلیون و ششصد هزار نفر فالوئر، «ماکان بند»، این دو نفر جوان خواننده، با میلیون‌ها فالوئر، «تتلو» و صفحه‌های فراوان داپ اسمش و طنز جوانان دهه هفتادی که میلیون‌ها دنبال‌کننده دارند.. فرهنگ، دارد «جایی دیگر» ساخته می‌شود. بچه‌های خردسال پنج، شش ساله، خط به خط متن ترانه‌های رپ و پاپ این گروه‌ها را حفظ‌اند. دستگاه‌های رسمی پرمدعای حاکمیتی و دولتی، با بودجه‌های میلیاردری‌شان، وزارتخانه‌های عریض و طویل دولتی و مجلس و سازمان تبلیغات و فلان و بهمان که هیچ، روشنفکران و اساتید علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه‌ها و کنشگران سیاسی همه در روستای کوچکی جمع شده‌اند و بر سر هم داد و بیداد می‌کنند.

فقط گاهی ناگهان مرگ یک پاشایی، فیلم‌های فراوان رقص دست جمعی ترانه‌ی ساسی مانکن یا راهپیمایی طرفداران تتلو در خیابان‌های شهر، می‌آید و چشم‌های همه‌ی ما و حضرات سیاستگذار و اساتید معظم را برای لحظاتی گشاد می‌کند و می‌رود. چون عبور یک کهکشان عظیم غریب.. ما، حاج و واج، چند وقتی مشغول گفتن جملاتی در موردش می‌شویم، حضرات به فکر بگیر و ببند و بودجه‌های فرهنگی و انداختن تقصیر(?) بر گردن همدیگر می‌افتند و دوباره تا مواجهه‌ی عظیم بعدی، مشغول بحث‌های فاخر و سیاستگذارانه‌ی خودشان می‌شویم. ذوق می‌کنیم که یک متن فلان جامعه‌شناس و بهمان حوزوی و شعار فلان مقام حاکمیتی و فیلم فلان مسوول دولتی، صد هزار بار دیده شود.

حضرات مسوول دولتی و حاکمیتی که هیچ، ما روشنفکران و جامعه‌شناسان هم از جامعه‌جا مانده‌ایم. تعداد پژوهش‌های علمی که درباره‌ی اینفلوئنسرهای اینستاگرام و بیوتی بلاگرها و منطق عمل آن‌ها و کارخانه‌ی عظیم فرهنگی‌شان تولید شده است، چیزی نزدیک به هیچ است. پس از چهل سال انکار، شکاف عمیق بین فضای رسمی و عرف، به نهایت رسیده است.

عزیزان معترض، انقلابیون، روشنفکران، جامعه‌شناسان، حوزویان، حاکمان و مسوولین گرامی، باور کنید که «همه» در اقلیتیم. جامعه دیگر اینجا نیست. ما در اتاق خالی فریاد می‌زنیم. جامعه مدت‌هاست که رفته است.

ایده‌نوشت‌های مهدی سلیمانیه